

استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی؛ تحلیلی شناختی و پیکره‌مدار^۱

آزینا افراشی*

سیدمصطفی عاصی**، کامیار جولایی***

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی استعاره‌های مفهومی در پیکره‌ای نمونه از زبان فارسی می‌پردازد. در این پژوهش تلاش شده است تا با بهره‌گیری از پایگاه داده‌های زبان فارسی، پیکره‌ای از متون نوشتاری زبان فارسی معاصر که شباهت بیشتری به زبان روزمره سخنوران دارد، نمونه‌گیری و استعاره‌های مفهومی نهفته در آن استخراج گردد. سپس این استعاره‌ها براساس طبقه‌بندی لیکاف و جانسون (Lakoff & Johnson, 1980)، در قالب استعاره‌های «ساختاری»، «هستی‌شناختی»، «جهتی» و نیز طبقه‌ای از استعاره‌های مفهومی که لیکاف و ترنر (Lakoff & Turner, 1989)، تحت عنوان «استعاره‌های تصویری» معرفی کردند، دسته‌بندی شدند. در گام بعدی نسبت بسامد هر یک از این استعاره‌ها در مقایسه با یکدیگر تعیین شد و تلاش شد تا پر بسامدترین حوزه‌های مبدأ در طبقه استعاره‌های هستی‌شناختی تعیین گردد و در مجموع با توجه به یافته‌های پیکره‌ای مشخص گردد که فارسی‌زبانان بیشتر از چه حوزه‌های مبدایی برای بیان مفاهیم انتزاعی بهره می‌برند. در خلال این پژوهش، نگارندگان به دلیل بهره‌گیری از پیکره دریافتند که طبقه‌بندی لیکاف و جانسون (1980) از انواع استعاره‌های مفهومی، ملاک دقیقی برای محک یافته‌ها در یک پژوهش پیکره‌مدار نمی‌باشد و همچنین

* دانشیار گروه زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، a.afrahi.ling@gmail.com

** استاد گروه زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، smostafa.assi@gmail.com

*** دانشجوی دکتری زبان‌شناسی (نویسنده مسئول مقاله)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

kamyar582002@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۴

یافته‌های پیکره‌ای در زبان فارسی در مواردی اصل یکسویگی در نظریه استعاره مفهومی را نقض می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: استعاره مفهومی، زبان‌شناسی پیکره‌ای، معنی‌شناسی شناختی، تحلیل پیکره‌مدار.

۱. مقدمه

تا پیش از ایجاد پیکره‌های زبانی و بهره‌گیری از امکانات رایانشی در مطالعات زبانی، رویکرد محققان حوزه استعاره به گردآوری داده اغلب بر شم زبانی و مثال‌های ساختگی یا در نهایت تعداد محدودی مثال‌های واقعی استوار بود. اما از دهه ۹۰ میلادی به بعد، با گسترش و بهره‌گیری از امکانات رایانه در به کارگیری پیکره‌ها، این روش‌ها جای خود را به استفاده از شیوه‌های پیکره‌ای دادند (Deignan 2008:151).

امروزه در دنیا پژوهش‌های فراوانی در حال انجام است که به نوعی نقطه تلاقی روش‌های پیکره‌ای و زبان‌شناسی محسوب می‌شوند، تا آنجا که استفاده از پیکره‌ها در تحلیل‌های معناشناختی به امری ضروری بدل شده است. یکی از روزآمدترین این روندها، استفاده از پیکره‌ها در حوزه نظریه استعاره مفهومی (Conceptual Metaphor Theory) است. این نظریه که با انتشار کتاب *استعاره، چیزی که با آن زندگی می‌کنیم* (1980) اثر لیکاف و جانسون مطرح شد و جان تازه‌ای در مطالعات معنی‌شناختی، به ویژه معنی‌شناسی شناختی دمید، به تمایز میان نگاه سنتی به استعاره به عنوان ابزاری آرایه‌ای و نگاه جدید به عنوان یک ساز و کار ذهنی انجامید و نشان داد که استعاره‌های مفهومی چنان در زبان روزمره فراگیر هستند که سخنوران از وجود آن‌ها بی‌اطلاعند.

در سال‌های اخیر مطالعات فراوانی انجام شده‌اند تا چارچوب نظریه استعاره‌ی مفهومی را در زبان روزمره به کار گیرند و فرضیات آن را در زبان روزمره محک بزنند. این دست مطالعات به استفاده از روش‌های پیکره‌ای انجامیده است.

زبان فارسی نیز از این امر مستثنی نیست. اما مسئله درخور توجه، نحوه گردآوری داده‌ها در این دست پژوهش‌ها است. امروزه در کشور ما به همت متخصصان در ایجاد پیکره‌های زبان فارسی امکان بسط رویکرد پیکره‌ای به مطالعات زبانی، از جمله حوزه استعاره فراهم آمده است. از گسترده‌ترین و پرامکانات‌ترین این پیکره‌ها پایگاه داده‌های زبان فارسی است که به کوشش دکتر سیدمصطفی عاصی از سال ۱۳۷۸ در پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی طراحی شده و در این پژوهش نیز منبع استخراج داده‌ها قرار گرفته است.

در این پژوهش، نگارندگان سعی کرده‌اند تا به واسطه بهره‌گیری از این پایگاه، پیکره‌ای متوازن از زبان فارسی معاصر را گزینش و در یک تحلیل پیکره‌مدار (Corpus Driven) انواع استعاره‌های مفهومی نهفته در آن را در چارچوب نظری لیکاف و جانسون (1980) بررسی کنند. هدف از این پژوهش پاسخ به سه سؤال زیر می‌باشد:

۱. در پیکره‌ای متوازن از زبان فارسی، بسامد انواع طبقات استعاره‌های مفهومی نسبت به یکدیگر چگونه است؟

۲. پربسامدترین حوزه‌های مبدأ در طبقه استعاره‌های مفهومی هستی‌شناختی در زبان فارسی کدام هستند؟

۳. پربسامدترین حوزه‌های مبدأ در پیکره‌ای متوازن از زبان فارسی کدام هستند؟

نگارندگان قصد دارند در این پژوهش دریابند که فارسی‌زبانان به کمک ابزار استعاره در زبان روزمره، از کدام دسته مفاهیم ملموس برای بیان مفاهیم انتزاعی بیشتر بهره می‌برند، تا از این رهگذر به شناخت بهتری از زبان فارسی و کارکرد ذهنی فارسی‌زبانان دست یابند.

آنچه در این پژوهش مورد توجه بود، اتخاذ رویکردی پیکره‌مدار در پاسخ به این سوالات بود. امروزه تکیه بر شم زبانی و یا استفاده از پرسشنامه‌ها برای گردآوری داده‌ها دیگر مورد قبول زبانشناسان و پژوهشگران حوزه استعاره نیست. در تایید همین مطلب، دینان نیز معتقد است که تا پیش از بکارگیری پیکره‌ها، مطالعات در چارچوب نظریه استعاره مفهومی به دلیل عدم وجود شواهد تجربی از داده‌های زبان روزمره، قابل انتقاد بودند. اما استفاده از پیکره‌ها در مطالعه استعاره، جنبه‌هایی از نظریه استعاره مفهومی را برای پژوهشگران روشن می‌سازد که تا پیش از آن ناشناخته بوده است (Deignan 2005: 27).

۲. پیشینه مطالعات

از آنجا که پژوهش حاضر به بررسی پیکره‌ای استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی اختصاص دارد، لذا در این بخش به اجمال به معرفی آثار مطرح در حوزه استعاره مفهومی و پژوهش‌های پیکره‌ای در باب استعاره مفهومی از پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی می‌پردازیم.

مطالعه در باب استعاره مفهومی از ۱۹۸۰ و با انتشار کتاب *استعاره*، چیزی که با آن زندگی می‌کنیم شکل جدیدی به خود گرفت. لیکاف در مقام زبان‌شناس و جانسون در مقام فیلسوف در این تحقیق نظام‌مند و فراگیر، بنیان درک سستی از این مفهوم را تماماً زیر سؤال بردند و به این نتیجه رسیدند که استعاره نه فقط آن چیزی است که در قالب واژه‌ها بازنمود دارد و تنها به مقوله ادبیات محدود می‌گردد، بلکه استعاره جزء ویژگی‌های نظام مفهومی ذهن ما است. همچنین کاربرد استعاره به زینت بخشیدن به کلام محدود نمی‌شود، بلکه استعاره امری فراگیر در زبان است که از طریق آن به درک عمیق‌تری از دنیا و پدیده‌های آن می‌رسیم.

با این حال لیکاف و جانسون اولین کسانی نبودند که نظریه محوریت استعاره در زبان را مطرح کردند. پیش از آن‌ها ردی (M.Reddy, 1979) نیز در نظریات خود به این موضوع اشاره کرده بود. آنچه اثر لیکاف و جانسون را از سایرین متمایز می‌کرد ارایه تحلیلی فراگیر و نظام‌مند با ارایه شواهد گوناگون در زبان بود.

لیکاف همچنین در کتاب *زنان، آتش و چیزهای خطرناک: آنچه مقوله‌ها در مورد ذهن آشکار می‌کنند* (1986) و نیز در مقاله‌ای تحت عنوان *نظریه معاصر استعاره* (1993) به بسط آرای خود در باب نظام مقوله‌بندی ذهن و تکوین نظریه استعاره‌ی مفهومی پرداخت.

بسط رویکرد زبان‌شناسان شناختی و نگاهی جدید به حوزه استعاره را می‌توان در آثار کووچس (Z.Kovecses) دنبال کرد. از ویژگی‌های آثار این محقق مطالعه بر روی ارتباط بین زبان، تفکر و فرهنگ، تفاوت‌های بین‌فرهنگی در استعاره و نیز زبان و تصویرسازی عواطف است که دو حوزه نخست به ترتیب در دو کتاب *زبان، تفکر و فرهنگ* (2006) و *استعاره در فرهنگ، جهان شمولیت و تنوع* (2005) و حوزه آخر در سه کتاب *استعاره و عواطف* (2000)، *مفاهیم عاطفی* (1990) و *زبان عشق* (1988) مورد بحث قرار گرفته‌اند. کتاب *استعاره، معرفی کاربردی* (2010) نیز از جمله کتاب‌های درخور توجه این محقق است.

توجه به نقش استعاره در بیان مفاهیم عاطفی در زبان فارسی هم مورد توجه قرار گرفته است. کریمی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه‌ای با عنوان *استعاره‌های مفهومی درد در گویش کردی ایلام از منظر معنی‌شناسی شناختی* به مطالعه ساخت‌های استعاره‌ی می‌پردازد که هنگام بیان درد در یکی از گویش‌های کردی ایلام به کار می‌روند.

استفاده از پیکره‌های زبانی در مطالعات معنی‌شناسی از سابقه‌ای طولانی برخوردار نیست. با این حال این گونه پژوهش‌ها در سال‌های اخیر سرعت چشم‌گیری گرفته است.

امروزه رویکرد پیکره‌ای به مطالعه استعاره طرفداران بسیاری در غرب پیدا کرده و پژوهش‌های فراوانی در این زمینه انجام شده است. از میان این پژوهش‌ها می‌توان به دیرون (Dirven, 1994)، دینان و پاتر (Deignan & Potter, 2004)، دینان (2005)، استفانوویچ و گریس (Stefanowitch & Gries, 2006)، استفانوویچ (2006) و یان، نویل و ولف (Yan, Noel, Wolf 2010) اشاره کرد.

میزان استقبال پژوهشگران ایرانی در استفاده از پیکره‌ها در پژوهش‌های معنی‌شناختی اندک بوده است. امروزه با وجود پژوهش‌های درخور توجهی که با استناد به داده‌های برگرفته از پیکره انجام می‌پذیرد، این روند در مطالعات معنی‌شناختی زبان فارسی چندان مورد به‌کار گرفته نشده است و چنانچه خواهیم دید، پژوهش‌های فراگیر و مبتنی بر پیکره، که به بررسی موضوعات معنی‌شناسی شناختی و به طور خاص نظریه استعاره مفهومی بپردازند، اندک هستند. با این حال، در سال‌های اخیر این رویکرد از سوی زبان‌شناسان ایرانی تا حدودی مورد توجه قرار گرفته و در حال گسترش است. در مجموع سه مقاله «استعاره‌های مفهومی رنگ در زبان فارسی: تحلیلی شناختی و پیکره‌بنیاد» به قلم افراشی و صامت (۱۳۹۱)، «استعاره‌های مفهومی در حوزه شرم با استناد به شواهدی از شعر کلاسیک فارسی» از افراشی و مقیمی‌زاده (۱۳۹۱)، «رویکرد پیکره‌ای به مطالعات معنایی» از جهانگردی و طاهری (۱۳۹۰) و همچنین چهار پایان‌نامه با عناوین «بررسی تطبیقی استعاره مفهومی در زبان‌های فارسی و اسپانیایی» از حسامی (۱۳۹۰)، «تحول تاریخی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی: مطالعه موردی سمک عیار» از دیلمقانی (۱۳۹۱)، «استعاره‌های مفهومی از منظر معنی‌شناسی شناختی: یک تحلیل پیکره‌مدار» به قلم جولایی (۱۳۹۱) و «استعاره‌های مفهومی شادی و لذت در زبان فارسی: یک تحلیل پیکره‌مدار» از زوروز (۱۳۹۲) در این عرصه خودنمایی می‌کنند.

آنچه در سیر مطالعات معنی‌شناختی به‌ویژه در غرب مشهود است، استقبال از رویکرد پیکره‌مدار در برابر پیکره‌بنیاد و توجه به کمیت‌گرایی در مقابل کیفیت‌گرایی است. این مفاهیم در بخش بعد مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۳. ملاحظات نظری

۱.۳ استعاره مفهومی

از زمان تولد زبان‌شناسی شناختی در دهه ۷۰ میلادی، استعاره همواره به عنوان موضوع کانونی این حوزه مطرح بوده است، چراکه به شکلی واضح به بیان رابطه میان ذهن و زبان می‌پردازد. نقطه آغاز نگاه جدید به استعاره در حوزه زبان‌شناسی شناختی را می‌توان رویکردی دانست که لیکاف و جانسون (1980) در کتاب *استعاره، چیزی که با آن زندگی می‌کنیم*، مطرح کردند. این رویکرد در تقابل با نگاه سنتی به مقوله استعاره قرار داشت که آنرا از ویژگی‌های کلام و به عنوان ابزاری آرایه‌ای در نظر می‌گرفت. در این رویکرد ساخت استعاره از ویژگی‌های اجتناب‌ناپذیر ذهن در نظر گرفته می‌شود که به منظور درک بهتر مفهومی انتزاعی از طریق مفهومی ملموس صورت می‌پذیرد (Grady, 2007: 189).

استعاره‌های مفهومی در لایه ذهن مورد بررسی قرار می‌گیرند و همگی آنها بازنمود زبانی نمی‌یابند، بلکه در فرهنگ، هنر، آداب و نمادها نیز حضور دارند، چراکه نظام مفهومی ذهن تا حدود قابل توجهی استعاری است (Kovecses, 2010: 63). استعاره‌ها به عنوان ابزاری جهت ارتباط میان دو اندیشه مختلف در ذهن عمل می‌کنند. با این حال زبان‌شناسان به دنبال کشف نحوه عملکرد استعاره‌ها در ذهن از طریق بازنمودهای زبانی آن می‌باشند. آنها الگوهای موجود در ساختار مفهومی واژه‌ها و عبارات استعاری را به عنوان شاهدهی جهت وجود استعاره‌های مفهومی نهفته در ذهن می‌دانند. استین (1994, Steen)، استعاره‌های نهفته در ذهن را استعاره‌های مفهومی و نمود زبانی آنها را استعاره‌های زبانی (Linguistic Metaphors) می‌نامد. به این ترتیب استعاره‌های زبانی بازنمود استعاره‌های ذهنی هستند (Deignan, 2005: 14).

۱.۱.۳ نگاشت

اساسی‌ترین مسئله مطرح‌شده در نظریه استعاره مفهومی، نگاشت (Mapping) است. این اصطلاح که از حوزه ریاضیات به عاریت گرفته شده است به انطباق‌های استعاری میان مفاهیم مرتبط به هم اشاره دارد. برای مثال استعاره مفهومی [زندگی سفر است] را که در جمله زیر نهفته است را در نظر بگیرید:

۱. خوشبخت کسی است که به راه راست می‌رود، خوشبخت‌تر آنکه از کودکی به این راه رفته و در بزرگی از رنج تاسف و حرمان برکنار باشد (حجازی ۱۳۱۹: ۲۰).

در این جمله ما شاهد دو حوزه مفهومی هستیم. یکی حوزه ملموس سفر که حوزه مبدأ (Domain Source) ماست و دیگری مفهوم انتزاعی زندگی که حوزه مقصد (Target Domain) ما را تشکیل می‌دهد. در استعاره مفهومی [زندگی سفر است] اطلاعات از حوزه مبدأ بر حوزه مفهومی مقصد نگاشت می‌شود؛ بدین ترتیب که موانع مسیر به عنوان سختی‌های زندگی، انتخاب و تغییر مسیر به عنوان تصمیم‌گیری و تغییر روبه زندگی و مقصد به عنوان هدف زندگی در نظر گرفته می‌شود.

۲.۱.۳ طبقه‌بندی استعاره‌ها

در تقسیم‌بندی‌ای که لیکاف و جانسون (1980)، از انواع استعاره‌ها ارایه داده‌اند، استعاره‌ها بر اساس کارکرد شناختی‌شان به سه دسته ساختاری (Structural)، هستی‌شناختی (Ontological) و جهت‌ی (Orientational) تقسیم می‌شوند. طبقه‌ای دیگر تحت عنوان استعاره‌های تصویری بعدها توسط لیکاف و ترنر (1989) معرفی شدند. اینک به شرح مختصری از استعاره‌های مفهومی هستی‌شناختی که موضوع یکی از سوالات این پژوهش می‌باشد، می‌پردازیم:

۱.۲.۱.۳ استعاره‌های هستی‌شناختی

در این نوع استعاره‌ها ساخت‌سازی (Structuring) کمتری در حوزه مقصد، نسبت به استعاره‌های ساختاری روی می‌دهد. در عوض به مفاهیم انتزاعی حوزه مقصد ماهیتی وجودی اعطا می‌شود تا بهتر درک شوند. کارکرد شناختی این نوع از استعاره‌ها چنین است که بسیاری از تجربیات ما که مبهم و انتزاعی هستند (نظیر رخدادهای، فعالیت‌ها، مفاهیم غیرمادی، مبهم و...) در قالب ملموس اشیا، مواد و یا ظرف بیان می‌شوند. بدین طریق قادر می‌شویم مفاهیمی را که تا پیش از این برایمان مبهم بوده‌اند، بهتر تشخیص دهیم، اندازه‌گیری کنیم یا به آنها اشاره نماییم (Kovecses, 2010: 34). تجربیات ما از مواجهه با پدیده‌ها - به‌خصوص بدن خودمان - پایه شکل‌گیری گستره وسیعی از استعاره‌های هستی‌شناختی است (Lakeoff & Johnson, 1980: 23).

استعاره‌های هستی‌شناختی بیشتر برای بیان تجربیات انتزاعی و مبهم نظیر ترس، خشم و... به‌کار می‌روند.

۲. ولی ترسی نداشتم (هدایت ۱۳۱۵: ۵۰)؛

۳. آن‌قدر احساس خستگی در من پیدا نشده بود (هدایت ۱۳۱۵: ۲۱)؛

۴. اصلاً جرائت سابق از من رفته بود (هدایت ۱۳۱۵: ۷۰)؛
۵. این بود که خشمم را فروخوردم (آل احمد ۱۳۳۷: ۲۰)؛
۶. آدمی، انباشته از وحشت [خواهند شد] (آل احمد ۱۳۳۷: ۸۱).

۲.۳ زبان‌شناسی پیکره‌ای

در زبان‌شناسی، پیکره مجموعه‌ای از متون نوشتاری یا آوانویسی شده است که می‌توان آن را به‌عنوان مبنایی برای تحلیل و توصیف زبان به کار برد (Kennedy, 1998:1). اما همان‌طور که میر (Meyer, 2002) بیان می‌کند، امروزه پیکره به حجم نسبتاً عظیمی از متون اطلاق می‌گردد که قابل استفاده در رایانه باشد. امروزه تکیه بر داده‌های واقعی زبانی به صورت گسترده‌ای رواج یافته و شرط اساسی بسیاری از پژوهش‌های نظری و کاربردی مانند نظریه‌پردازی و توصیف ساختمان زبان، گویش‌شناسی، دستور نویسی و فرهنگ‌نگاری به شمار می‌آید (عاصی، ۱۳۸۲: ۲).

۱.۲.۳ رویکرد پیکره‌بنیاد و رویکرد پیکره‌مدار

بونلی (Bonelli, 2001)، میان دو رویکرد در مطالعات پیکره‌ای تمایز قایل می‌شود: رویکرد پیکره‌بنیاد و رویکرد پیکره‌مدار. در رویکرد پیکره‌بنیاد، محقق کارش را با اصول و نظریاتی از پیش تعیین شده آغاز می‌کند و سپس به جستجوی شواهدی در تایید این نظریات در پیکره می‌گردد. در مقابل، در رویکرد پیکره‌مدار محقق هیچ پیش‌فرضی از آنچه دست خواهد یافت ندارد. او پیکره را محور مطالعات خود قرار می‌دهد و اجازه می‌دهد تا قوانین و دسته‌بندی‌های بدیع در خلال پژوهش، خود را نشان دهند (Deignan 2005, 89).

۲.۲.۳ کمیت‌گرایی در مقابل کیفیت‌گرایی

گریس معتقد است مطالعاتی که به کیفیت‌گرایی (Qualitativity) تمایل دارند، تنها به ذکر بسامد پدیده‌های مورد بررسی اکتفا می‌کنند و براساس مشاهده یا عدم مشاهده پدیده‌ای خاص، نتایجی را استنباط می‌کنند. او معتقد است که اغلب مطالعات پیکره‌ای تنها به ذکر بسامد اطلاعات کسب شده اکتفا می‌کنند و از روش‌های آماری بهره‌ای نمی‌برند. این در حالی است که در مطالعاتی که به کمیت‌گرایی (Quantitative) تمایل دارند، اطلاعات به‌دست آمده براساس روش‌های دقیق آماری مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند. به اعتقاد

گریس اغلب مطالعات پیکره‌ای جایی میان کمیت‌گرایی مطلق و کیفیت‌گرایی مطلق قرار دارند (Gries, 2006:6).

۴. روش استخراج داده‌ها از درون پیکره

در حال حاضر هیچ‌گونه شیوه تمام‌رایانشی که به کمک آن بتوان اقدام به جمع‌آوری استعاره‌ها از درون پیکره و تشخیص استعاره‌های مفهومی نهفته در آنها نمود، وجود ندارد. اما این بدان معنا نیست که نمی‌توان از پیکره‌ها و شیوه‌های رایانشی در مطالعه استعاره‌های مفهومی بهره برد. استفانوویچ (2006)، در مقدمه‌ای بر کتاب رویکرد پیکره بنیاد در بررسی استعاره و مجاز به معرفی برخی از متداول‌ترین این روش‌ها پرداخته است که از میان آنها سه روش زیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند:

۱- جستجوی دستی ۲- جستجو به دنبال واژه‌های حوزه مبدأ ۳- جستجو به دنبال واژه‌های حوزه مقصد

نگارندگان در این پژوهش روش جستجوی دستی را برگزیدند. در این روش پژوهشگر به مطالعه تمام و کمال متن مورد بررسی می‌پردازد و به استخراج تمام استعاره‌ها از درون آن اقدام می‌کند. از آن‌جا که به کارگیری این روش مستلزم صرف وقت و انرژی زیاد است، لذا متون مورد بررسی یا به عبارتی حجم پیکره کاهش می‌یابد (Stefanowitsch, 2002: 2)، اما به دلایلی که شرح داده خواهد شد، شیوه جستجوی دستی مناسبترین روش برای پاسخ به سوالات این پژوهش می‌باشد.

۵. معرفی روش پژوهش

در این بخش به شرح دلایل انتخاب متن‌ها و شیوه استخراج داده‌ها می‌پردازیم. بنابر آنچه گفته شد رویکرد این پژوهش به مطالعات پیکره‌ای، رویکردی پیکره‌مدار است؛ یعنی اینکه پژوهشگر کار خود را بدون پیش‌فرضی از وجود انواع اسم نگاشت‌ها و حوزه‌های مبدأ در طبقه استعاره‌های هستی‌شناختی و همچنین در کل پیکره، آغاز می‌کند و در این مسیر حوزه خاصی از استعاره‌ها را برنمی‌گزیند، بلکه سعی دارد تا با انتخاب یک پیکره نمونه از زبان فارسی معاصر، اقدام به استخراج همه استعاره‌های موجود در آن به شیوه‌ای فراگیر و نظام‌مند کند. روش‌های جستجو به دنبال واژه‌های حوزه مبدأ و جستجو به دنبال واژه‌های

حوزه مقصد، جوابگوی نیاز پژوهش حاضر نبودند، در نتیجه شیوه جستجو و استخراج دستی داده‌ها برگزیده شد. این روش گرچه مستلزم صرف وقت بسیار زیاد است و ناگزیر به محدود شدن پیکره می‌انجامد، اما در حال حاضر دقیق‌ترین راه برای پاسخگویی به نیازهای این پژوهش است.

مسئله دیگر حجم پیکره، نوع متون انتخابی و نحوه متوازن کردن پیکره است. در مورد حجم پیکره واضح است که هر چه پیکره مورد بررسی گسترده‌تر باشد و متونی با تنوع سبکی و سیاقی بیشتری از دوران معاصر انتخاب شوند و داده‌های بیشتری تحلیل شوند، نتیجه حاصل با اطمینان بیشتری قابل تعمیم به کل زبان فارسی خواهد بود. اما چنانچه شرح آن داده شد، به دلیل انتخاب شیوه دستی برای این پژوهش به ناچار مجموعه‌ای محدود از متون، قابل بررسی است. با این حال نگارنده معتقد است اگر همین پیکره محدود، به نحوی آگاهانه انتخاب گردد و توازن یابد، نتایج آن می‌تواند تا حدود زیادی قابل تعمیم به کل زبان باشد. در انتخاب متون سعی شده تا از متون معاصر زبان فارسی بهره برده شود و نثر آن دسته از نویسندگانی برگزیده شود که ساده و روان بوده و شباهت بیشتری به آنچه که در زبان روزمره جامعه می‌گذرد، داشته باشند. به منظور ایجاد پیکره‌ای متوازن که از تنوع نسبتاً قابل قبولی برخوردار باشد، مجموعه‌ای از ۱۰ متن معاصر و از هر متن ۲۰ صفحه انتخاب شد که در مجموع پیکره‌ای در حدود ۲۰۰ صفحه را شامل می‌گردد. این ۱۰ متن که از پایگاه داده‌های زبان فارسی استخراج شدند، عبارتند از: اندیشه (حجازی، ۱۳۱۹)، این سه زن (بهنود، ۱۳۷۴)، بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم (ابراهیمی، ۱۳۴۵)، بوف کور (هدایت، ۱۳۱۵)، خاک و آدم (جمالزاده، ۱۳۴۰)، سخن‌ها را بشنویم (اسلامی ندوشن، ۱۳۶۹)، سووشون (دانشور، ۱۳۴۸)، شازده احتجاب (گلشیری، ۱۳۴۸)، مدیر مدرسه (آل احمد، ۱۳۳۷)، نیمه‌راه بهشت (نفیسی، ۱۳۳۲).

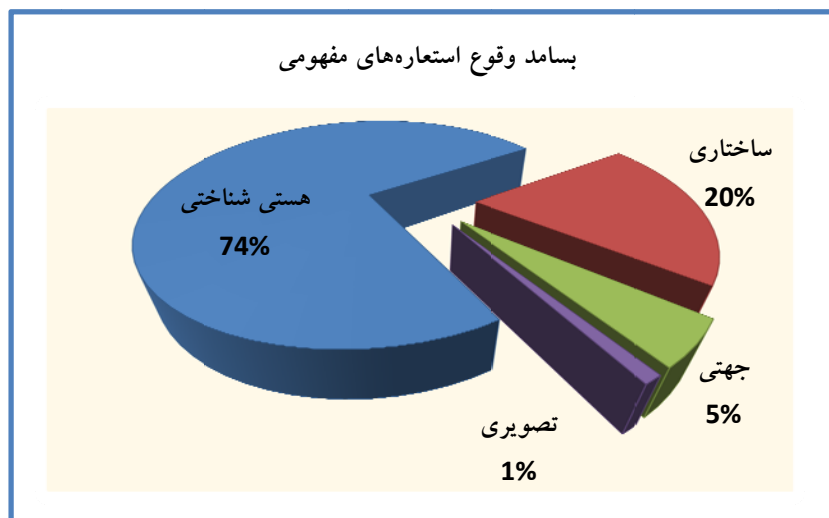
مسئله دیگر، نحوه نمونه‌برداری از هر متن است. زبان‌شناسان پیکره‌ای نمونه‌برداری را با هدف ایجاد توازن در پیکره انجام می‌دهند. با این حال نمونه‌برداری از یک پیکره این خطر را دارد که نمونه انتخابی به‌خوبی نماینده ویژگی‌های زبانی کل متن نباشد. برای مثال، چنانچه در این پژوهش مشاهده شد، تراکم استعاره‌های مفهومی در صفحات آغازین متون مورد بررسی در مقایسه با صفحات میانی بیشتر است. بنابراین اگر در نمونه‌گیری از هر متن ۲۰ صفحه ابتدایی آن در نظر گرفته می‌شد، خطر برداشت‌های نادرست به لحاظ تعداد و انواع استعاره‌های مفهومی، نتایج این پژوهش را تهدید می‌کرد. از سوی دیگر، چنانچه گفته شد به جای استفاده از متون کامل - به دلیل عدم وجود شیوه‌ای رایانشی در استخراج و

تحلیل استعاره‌ها- پژوهشگران به ناچار بر آن شدند تا از متون نمونه‌گیری کنند، اما با ترفندی متفاوت؛ بدین صورت که از هر ۱۰ صفحه، ۲ صفحه نمونه‌گیری شد تا در مجموع با انتخاب ۲۰ صفحه از هر متن توازن پیکره حفظ گردد.

نحوه استخراج داده‌ها نیز به بی‌پیرایه‌ترین شکل ممکن صورت می‌پذیرد؛ بدین صورت که صفحات انتخابی به دقت مطالعه می‌شوند و نگارنده در مواجهه با موارد استعاری آنها را استخراج کرده و سعی می‌نماید تا استعاره مفهومی نهفته در پس آنها را مشخص کند. در گام بعدی این استعاره‌ها در چارچوب نظری لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) طبقه‌بندی می‌شوند و تلاش می‌گردد تا گواشی آماری از انواع هریک از استعاره‌ها در هریک از متون و در کل پیکره، و همچنین متداول‌ترین حوزه‌های مبدأ در طبقه استعاره‌های هستی‌شناختی و ساختاری و نیز در کل پیکره ارائه گردد.

۶. تحلیل داده

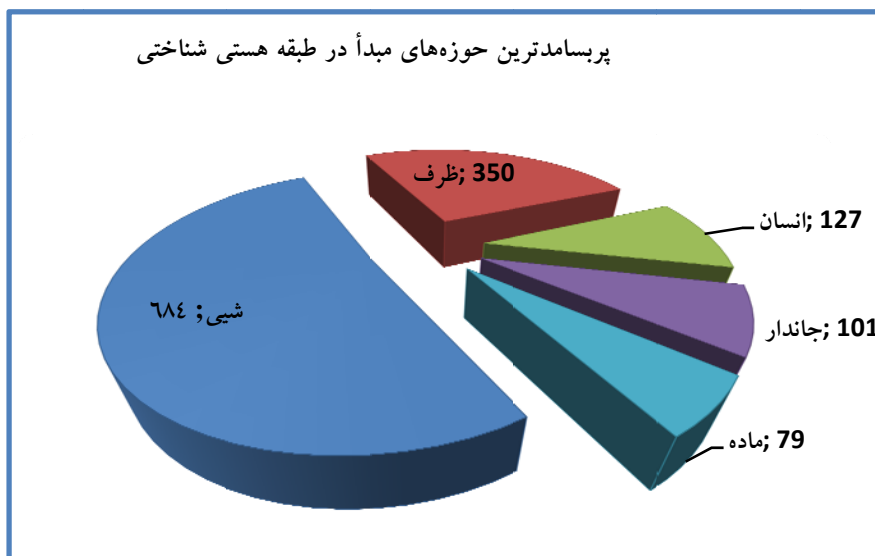
در مجموع از میان ۲۰۰ صفحه‌ای که نمونه‌گیری شد، در حدود ۱۴۰۰ جمله حاوی استعاره‌های مفهومی استخراج گردید که در مجموع ۱۹۹۱ مورد استعاره را شامل می‌شدند. در این میان، استعاره‌های هستی‌شناختی با ۷۴٪ از کل انواع استعاره‌های مفهومی از بیشترین بسامد وقوع برخوردار بودند و استعاره‌های ساختاری با ۲۰٪، جهتی با ۵٪ و تصویری با ۱٪ به ترتیب در رده‌های بعدی قرار داشتند. نمودار ۱ بازگوکننده درصد هریک از طبقات استعاره‌های مفهومی درون پیکره می‌باشد.



نمودار ۱. بسامد وقوع استعاره‌های مفهومی

۱.۶ استعاره‌های مفهومی طبقه هستی شناختی

از میان ۱۴۸۵ مورد استعاره هستی‌شناختی در قالب ۴۶۳ اسم‌نگاشت، پربسامدترین حوزه مبدأ در طبقه استعاره‌های هستی‌شناختی که برای تبیین مفاهیم انتزاعی به کار می‌رود، «اشیا» با ۶۸۴ مورد وقوع در پیکره بود و حوزه‌های مبدأ «ظرف» با ۳۵۰ مورد وقوع، «انسان» با ۱۲۷ مورد وقوع، «جانداران» با ۱۰۱ مورد وقوع و «ماده» با ۷۹ مورد وقوع به ترتیب در رده‌های بعد قرار داشتند. نمودار ۲ بازگوکننده درصد هریک از حوزه‌های مبدأ در طبقه استعاره‌های هستی‌شناختی می‌باشد.



نمودار ۲. پربسامدترین حوزه‌های مبدأ در طبقه استعاره‌های هستی شناختی

در زیر برای هر یک از حوزه‌های مبدأ فوق مثالی از پیکره می‌آوریم:

حوزه مبدأ شیء

- [اسم/لقب شیء است]

۷. لقب من به فرزند یکی از نوکرانم داده شده، من را از داشتن آن معذور دارید (بهنود ۱۳۷۴: ۸۰).

- [آگاهی شیء است]

۸ آن کشف معنوی و پیشنهاد مفید که با ذوق و شتاب آورده بودم تا در میان جمع بگذارم (حجازی ۱۳۱۹: ۳۰).

حوزه مبدأ ظرف

- [اعمال ظرف هستند]

۹. مبادا در تشخیص اشتباه کنم (حجازی ۱۳۱۹: ۵۱).

- [انسان ظرف است]

۱۰. ولی بواسطه‌ی حس جنایتی که در من پنهان بود [...] (هدایت ۱۳۱۵: ۳۰).

حوزه مبدأ انسان

- [پدیده‌های اجتماعی انسان هستند]
- ۱۱. و استعمار به سبک جدید پاگرفت (اسلامی ندوشن ۱۳۶۹ : ۹۰).
- [آرزوها/عواطف انسان هستند]
- ۱۲. آرزوی توانائی در نهادش مجال اغوا یافت (حجازی ۱۳۱۹ : ۱۱).

حوزه مبدأ جاندار

- [آرزوها/عواطف جاندار هستند]
- ۱۳. تو بیدار می نشینی تا انتظار، پشیمانی بیافریند (ابراهیمی ۱۳۴۵ : ۱).
- [خواب جاندار است]
- ۱۴. تنها خواب، تو را به تمامی آنچه از دست رفته است، به من، و به رویاهای خوش بر بادرفته پیوند خواهدزد (ابراهیمی ۱۳۴۵ : ۲۱).

حوزه مبدأ ماده

- [دستاوردها ماده هستند]
- ۱۵. و امکانات جامعه نیز در گرو میزان دستاوردهای اوست (اسلامی ندوشن ۱۳۶۹ : ۲۰).
- [اعمال ماده هستند]
- ۱۶. این فکر با همه‌ی گفتار و کردار من توأم بود (حجازی ۱۳۱۹ : ۲۰).
- [دانش ماده است]
- ۱۷. زیرا می‌رفت همه این خروارها علم و معرفت را که با البرز و الوند برابری داشت، در پیشگاه آقای دکتر طیبی عرضه دارد (نفیسی ۱۳۳۲ : ۸۱).

۲.۶ پربسامدترین حوزه‌های مبدأ در زبان فارسی

در این پیکره پنج حوزه مبدأ زیر که همگی از دسته استعاره‌های هستی‌شناختی می‌باشند با اختلاف زیادی (به ویژه دو حوزه اول) پربسامدترین حوزه‌های مبدأ در این پیکره از زبان فارسی بودند: ۱. شیء (۶۸۴ مورد، ۴۱٪)؛ ۲. ظرف (۳۵۰ مورد، ۲۰٪)؛ ۳. انسان (۱۲۷ مورد، ۷٪)؛ ۴. جاندار (۱۰۱ مورد، ۶٪)؛ ۵. ماده (۷۹ مورد، ۴٪). پس از آنها متداول‌ترین حوزه‌های مبدأ به کار رفته در این پیکره به ترتیب عبارت بودند از: ۶. سفر (۷۱ مورد، ۵٪)؛ ۷. حرکت (۵۹ مورد، ۴٪)؛ ۸. مکان (۵۰ مورد، ۳٪)؛ ۹. بنا (۴۳ مورد، ۳٪)؛ ۱۰. غذا (۲۲ مورد، ۲٪)؛ ۱۱.

تجربیات جسمانی (۱۸ مورد، ۱٪)؛ ۱۲. حیوانات (۱۷ مورد، ۱٪)؛ ۱۳. اعضای بدن (۱۷ مورد، ۱٪)؛
۱۴. نیرو (۱۵ مورد، ۱٪)؛ ۱۵. نور و تاریکی (۱۴ مورد، ۱٪).

در زیر مثال‌هایی از حوزه‌های مبدأ فوق می‌آوریم:

حوزه مبدأ سفر

- [زندگی سفر است]

۱۸. تو امروز بر فرازی ایستاده‌یی که هزار راه را می‌توانی دید (ابراهیمی ۱۳۴۵: ۳۰).

۱۹. به یک چشم بهم زدن من زندگی دیگری به غیر از زندگی خودم را طی می‌کردم
(هدایت ۱۳۱۵: ۵۱).

حوزه مبدأ حرکت

- [اعمال حرکت هستند]

۲۰. سر گم شدن پیراهن دعوا راه انداخته بود (هدایت ۱۳۱۵: ۹۰).

- [پیشرفت یک کشور حرکت است]

نهر در سال‌های بعد از جنگ دوم که شرق به حرکت آمده بود [...] (اسلامی
ندوشن ۱۳۶۹: ۲).

حوزه مبدأ مکان

- [روابط عاطفی روابط مکانی هستند]

۲۱. چه ورطه‌ی هولناکی میان من و دیگران وجود دارد (هدایت ۱۳۱۵: ۱).

- [فعالیت‌ها مکان هستند]

۲۲. که به هر گوشه‌ی کار بچاهش سر می‌کشد (آل احمد ۱۳۳۷: ۴۰).

حوزه مبدأ بنا

- [نهادهای اجتماعی بنا هستند]

۲۳. و چنان به سرعت امپراتوری تزار فروریخت (بهنود ۱۳۷۴: ۴۰).

۲۴. مجلس سوم برپا شد (بهنود ۱۳۷۴: ۸۰).

حوزه مبدأ غذا

- [اعمال غذا هستند]

۲۵. هر شوخی که می‌کنم، گرچه خیلی بیمزه باشد زیاد بخندند (حجازی ۱۳۱۹: ۲۱).

۲۶. آنچه هنوز تلخ‌ترین پوزخند مرا برمی‌انگیزد (ابراهیمی ۱۳۴۵: ۱۱).

- [ایده‌ها غذا هستند]

۲۷. زهرآلود نوشتم (هدایت ۱۳۱۵: ۱).

حوزه مبدأ تجربیات جسمانی

- [عواطف تجربیات جسمانی هستند]

۲۸. اگرچه نوازش نگاه و کیف عمیقی که از دیدنش برده بودم یکطرفه بود و جوابی

برایم نداشت (هدایت ۱۳۱۵: ۱۰).

۲۹. این دردها را نمیشود به کسی اظهارکرد (هدایت ۱۳۱۵: ۱).

حوزه مبدأ حیوان

- [انسان حیوان است]

۳۰. همچنان زورمند ناتوان را خواهد درید و آسیای فلک پیوسته بر سر موجودات،

خواهد چرخید (حجازی ۱۳۱۹: ۱۰).

- [ذهن حیوان است]

۳۱. برای رام کردن این مرکب سرکش [ذهن]، اول پیرامون خود بگردید (حجازی ۱۳۱۹: ۲).

حوزه مبدأ اعضای بدن

- [مکان عضو بدن است]

۳۲. زیرا در قلب دنیای متمدن جای داشت و همه‌ی رشته‌ها به او می‌پیوست

(حجازی ۱۳۱۹: ۵۰).

۳۳. معلم‌ها داشتند تقلا می‌کردند که خودشان را به لب دیوار برسانند (آل احمد ۱۳۳۷: ۷۱).

- [عواطف عضو بدن هستند]

۳۴. با دیدگان اشک آلود، جگرگوشه‌ی خود را به آسمان نشان می‌داد [...]

(حجازی ۱۳۱۹: ۵۰).

حوزه مبدأ نیرو

- [اعمال نیرو هستند]

۳۵. چنان کوبنده و مستدل سخن گفت که آقا استعفا داد و به خانه رفت (بهنود ۱۳۷۴: ۸۰).

- [وقایع نیرو هستند]

۳۶. من فقط بشرح یکی از این پیش‌آمدها می‌پردازم که برای خودم اتفاق افتاده و بقدری مرا تکان داده که هرگز فراموش نخواهم کرد (هدایت ۱۳۱۵: ۱).

حوزه مبدأ نور و تاریکی

• [خدا نور است / اهریمن تاریکی است]

۳۷. [ایران] سرزمین مهر و کشور روشنایی است، و این روشنی، در پیکار مداوم با اهریمن تیرگی به سر می‌برد (حجازی ۱۳۱۹: ۷۰).

• [آگاهی نور است]

۳۸. سخن شیوا اندیشه را تابان می‌کند (حجازی ۱۳۱۹: ۲).

۷. نتایج فرعی

در یک پژوهش پیکره‌مدار، آنچه همراستا با پاسخ به سوالات پژوهش اهمیت دارد، نتایج فرعی است که از این تحلیل‌ها حاصل می‌شود. برای مثال، از خلال تحلیل‌های پیکره‌مدار می‌توان به نقد برخی نظریات کلان زبان‌شناسی؛ از جمله نظریه استعاره مفهومی اشاره کرد. همچنین نگارندگان در این پژوهش به این نتیجه رسیدند که در پژوهش‌های پیکره‌مدار در زبان فارسی، می‌باید در طبقه‌بندی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) از انواع استعاره‌های مفهومی بازنگری شود.

۱.۷ نقض اصل یک‌سویگی

یکی از مفاهیم مطرح در نظریه استعاره مفهومی، یک‌سویگی (Unidirectionality) است. این اصل بیان می‌دارد که در استعاره‌های مفهومی، فهم مفاهیم انتزاعی و پیچیده از طریق مفاهیم ملموس‌تر و ساده‌تر صورت می‌گیرد، ولی عکس آن رخ نمی‌دهد (Kovecses 2010: 329). اما داده‌های پیکره‌مدار در زبان فارسی این ادعا را رد کردند. برای مثال مشاهده شد که مفهوم ملموس «انسان» از طریق برخی مفاهیم ملموس دیگر بیان شده است:

انسان
اسباب بازی
آب
بنا
پرنده
حیوان
شیء
غذا
کالا
گیاه
دریا

• [انسان بنا است]

۳۹. چیز دندان‌گیری شاید، که با آن می‌توان فخرالنسای را از سر نو ساخت (گلشیری ۱۳۴۸: ۲۱).

۴۰. تا تو فقط بنشینی و خودت را درست کنی (گلشیری ۱۳۴۸: ۶۱).

• [انسان شیء است]

۴۱. معلوم شد که خودش و زن و بچه‌اش سرجه‌از مدرسه‌اند (آل احمد ۱۳۴۰: ۱۰).

۴۲. به امت قسم، می‌ترسم روی دستم بماند (گلشیری ۱۳۴۸: ۱۰).

• [انسان گیاه است]

۴۳. فلانی را دیدم کسل و پژمرده (حجازی ۱۳۱۹: ۷۰).

۴۴. با این نکونالی که کرد خودش را کلفت (پژمرده) کرده (آل احمد ۱۳۴۰: ۱).

۲.۷ لزوم بازنگری طبقه‌بندی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در پژوهش‌های پیکره‌مدار

در خلال پژوهش این نتیجه حاصل شد که طبقه‌بندی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) از انواع استعاره‌های مفهومی، پاسخگوی مناسبی جهت دسته‌بندی انواع استعاره‌ها در پژوهشی پیکره‌مدار نیست، چراکه پژوهشگر را با دو مشکل اساسی روبرو می‌کند:

۱. عدم وجود معیاری مشخص در تعیین نوع اسم نگاشت؛

برای مثال جمله زیر را در نظر بگیرید:

۴۵. مرد استوار یعنی کسی که مقصود نیک و ممدوحی را دنبال می‌کند، در هر حال و روزگار که باشد، از خودش خوشنود و مورد احترام دیگران است (حجازی ۱۳۱۹: ۷۰).
به وضوح نمی‌توان گفت که استعاره مفهومی نهفته در این جمله [اهداف/آرزوها مقصد هستند] می‌باشد و یا اینکه باید استعاره مفهومی عام‌تر [زندگی سفر است] در نظر گرفته شود. این سردرگمی در مواجهه با حجم عظیمی از داده‌ها و مقایسه‌ی موارد مشابه دو چندان می‌گردد.

۲. عدم وجود مرزی مشخص میان استعاره‌های هستی‌شناختی و ساختاری در برخی

موارد؛

وقتی تعیین انواع طبقات استعاره‌های مفهومی در پژوهشی پیکره‌مدار مورد نظر است، تعیین مرزی مشخص برای تفکیک استعاره‌های هستی‌شناختی و ساختاری در برخی موارد کار دشواری است. برای مثال در تقسیم‌بندی انواع استعاره‌های مفهومی، انسان‌پنداری به عنوان یکی از نمونه‌های بارز انواع استعاره‌های هستی‌شناختی بیان شده است (Kovecses, 2010: 39). این فرض در بسیاری از موارد صحیح به نظر می‌رسد، اما در مواجهه با مواردی پژوهشگر را دچار تردید می‌کند. برای مثال استعاره مفهومی [جامعه انسان است] را که در جملات زیر باز نمود یافته، در نظر بگیرید:

۴۶. هدف یک جامعه نمی‌تواند آن باشد که [...] (حجازی ۱۳۱۹: ۲۰).

۴۷. [جامعه ایرانی] بر اثر همین خاصیت خود را تا به امروز کشانده است

(حجازی ۱۳۱۹: ۲).

نظر به شواهد فوق، معرفی استعاره مفهومی [جامعه انسان است] به عنوان هستی‌شناختی بدیهی به نظر می‌رسد، اما اگر بخواهیم این دو مورد را در کنار مواردی که سخنوران برای جامعه روح، چشم، گوش و یا احساس و عواطف (نظیر خشم و شور و درد و سردرگمی و...) قایل می‌شوند قرار دهیم، آنگاه این طبقه بندی مورد تردید قرار می‌گیرد.

۴۸. و از همه بدتر آشفستگی فرهنگی و نفاق و سردرگمی [جامعه] هستند (اسلامی

ندوشن ۱۳۶۹: ۲).

۴۹. در جوامع بسته و بی‌روح که مردم سرشان را پیش می‌اندازند و خشک و عبوس می‌گذرند... (اسلامی ندوشن ۱۳۶۹: ۳۰).

۵۰. هیچ اصلاحی حتی توسعه علم و فرهنگ و نظم و ترتیب ادارات و [...] و غیره و غیره درد اصلی [اجتماع] را دوا نخواهد کرد (جمالزاده ۱۳۴۰: ۴۰).

بنابراین همانطور که مشاهده می‌گردد، شاید طبقه بندی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) در بسیاری موارد کارآمد به نظر می‌رسد، اما در مواجهه با حجم عظیمی از داده‌های پیکره‌مدار با اشکالاتی روبرو می‌گردد.

۸. نتیجه‌گیری

چنانچه از نتایج حاصل از داده‌های پیکره‌مدار در پیکره‌ای متوازن از زبان فارسی مشاهده شد، استعاره‌های مفهومی ابزاری پویا و فراگیر برای درک مفاهیم انتزاعی در زبان فارسی محسوب می‌شوند. در این میان استعاره‌های هستی‌شناختی با ۷۴٪ از کل انواع استعاره‌های مفهومی بیشترین کاربرد را در زبان فارسی داشتند و استعاره‌های ساختاری با ۲۰٪، جهتی با ۵٪ و تصویری با ۱٪ به ترتیب در رده‌های بعدی قرار داشتند. در این طبقه از استعاره‌ها پنج حوزه مبدأ «اشیا» با ۶۸۴ مورد وقوع، «ظرف» با ۳۵۰ مورد وقوع، «انسان» با ۱۲۷ مورد وقوع، «جانداران» با ۱۰۱ مورد وقوع و «ماده» با ۷۹ مورد وقوع از پرکاربردترین حوزه‌های مبدأ مورد استفاده بودند.

همچنین ۱۰ حوزه مبدأ زیر نیز از متداول‌ترین حوزه‌های مبدأیی هستند که فارسی‌زبانان از آنها برای بیان مفاهیم انتزاعی بهره‌می‌برند: ۱. شیء (۶۸۴ مورد، ۴۱٪)؛ ۲. ظرف (۳۵۰ مورد، ۲۰٪)؛ ۳. انسان (۱۲۷ مورد، ۷٪)؛ ۴. جاندار (۱۰۱ مورد، ۶٪)؛ ۵. ماده (۷۹ مورد، ۴٪)؛ ۶. سفر (۷۱ مورد، ۵٪)؛ ۷. حرکت (۵۹ مورد، ۴٪)؛ ۸. مکان (۵۰ مورد، ۳٪)؛ ۹. بنا (۴۳ مورد، ۳٪)؛ ۱۰. غذا (۲۲ مورد، ۲٪)؛ ۱۱. تجربیات جسمانی (۱۸ مورد، ۱٪)؛ ۱۲. حیوانات (۱۷ مورد، ۱٪)؛ ۱۳. اعضای بدن (۱۷ مورد، ۱٪)؛ ۱۴. نیرو (۱۵ مورد، ۱٪)؛ ۱۵. نور و تاریکی (۱۴ مورد، ۱٪).

در خلال این پژوهش یکی از مفاهیم مطرح در نظریه استعاره مفهومی به نام اصل یکسویتی در زبان فارسی مورد تردید قرار گرفت. همچنین نگارندگان به این نتیجه رسیدند که طبقه‌بندی لیکاف و جانسون (1980) از انواع استعاره‌های مفهومی، پاسخگوی مناسبی

جهت دسته‌بندی انواع استعاره‌ها در پژوهشی پیکره‌مدار در زبان فارسی نیست و خوب است در این طبقه‌بندی بازنگری به عمل آید.

پی‌نوشت

۱. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه نویسنده مسئول مقاله می‌باشد.

کتاب‌نامه

- افراشی، آزیتا و سجاد صامت (۱۳۹۱). «استعاره‌های مفهومی رنگ در زبان فارسی: رویکردی شناختی - پیکره‌بنیاد»؛ هشتمین همایش زبان‌شناسی، ۱۳۹۱، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- افراشی، آزیتا و محمد مهدی مقیمی زاده. «استعاره‌های مفهومی شرم در شعر کلاسیک فارسی» در: مجله علمی پژوهشی زبان‌شناخت، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جهانگردی، کیومرث و طاهری، مرتضی (۱۳۹۰). «رویکرد پیکره‌ای به مطالعات معنایی» در مجموعه مقالات دومین کارگاه معنی‌شناسی انجمن زبان‌شناسی، به کوشش آزیتا افراشی، تهران: انجمن زبان‌شناسی ایران و نشر اهورا.
- زوروز، مهدیس (۱۳۹۲). «استعاره‌های مفهومی شادی و لذت در زبان فارسی: یک تحلیل پیکره‌مدار». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حسامی، تورج. (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی در زبان‌های فارسی و اسپانیایی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- دیلمقانی، سمیرا، (۱۳۹۱). «تحول تاریخی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی؛ مطالعه موردی سمک عیار». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- عاصی، مصطفی. (۱۳۸۲). «از پیکره‌زبانی تا زبان‌شناسی پیکره‌ای» در: مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی، ۱۳۸۲، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- کریمی، وحیده. (۱۳۹۱). «استعاره‌های مفهومی درد در گویش کردی ایلام از منظر معنی‌شناسی شناختی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Deignan A (2005). *Metaphor and Corpus Linguistics: Converging evidence in language and communication research*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publication Company.
- Deignan A (2008) "Corpus Linguistics and Metaphor", *The Cambridge Handbook of Metaphor and Thought*, Gibbs R (eds.). Cambridge University Press.
- Grady, J. E. (2007). "Metaphor" in Geeraerts, D. and Cuyckens, H. (eds) *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*. Oxford: Oxford University Press, s. 188-213.

- Gries, S. Th. and A. Stefanowitsch (eds.) (2006). *Corpora in Cognitive Linguistics. Corpus-based approaches to syntax and lexis*. Berlin / New York: Mouton de Gruyter.
- Kennedy, G. (1998). *An introduction to corpus linguistics*. London: Longman.
- Kövecses, Z. (1988). *The Language of Love: The Semantics of Passion in Basingstoke, Hampshire: Palgrave Macmillan*.
- Kövecses, Z. (2000). *Metaphor and Emotion: Language, Culture, and Body in Human Feeling*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kövecses, Z. (1990). *Emotion Concepts*. New York: Springer Verlag.
- Kövecses, Z. (2005). *Metaphor in Culture: Universality and Variation*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kövecses, Z. (2010). *Metaphor: A Practical Introduction*, 2nd. Edition, Oxford University Press.
- Kövecses, Z. (2006). *Language, Mind, and Culture: A Practical Introduction*. New York: Oxford University Press.
- Lakoff, G. (1987). *Women, fire, and dangerous things: What categories reveal about the mind*. Chicago, IL: University of Chicago Press
- Lakoff, G. (2003[1980]). *Metaphors we live by*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1993a). The contemporary theory of metaphor. In A. Ortony (Ed.), *Metaphor and thought* (pp. 202–251). Cambridge: Cambridge University Press.
- Lakoff, G. & M. Turner (1989). *More than cool reason: A field guide to poetic metaphor*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Meyer, C. 2002. *English Corpus Linguistics: An Introduction*. Cambridge University Press.
- Reddy, M. J. (1979/1993). “The conduit metaphor: A case of frame conflict in our language about language”. In Andrew Ortony (Ed.), *Metaphor and Thought* (pp. 164–201). Cambridge: Cambridge University Press. [First/second edition].
- Steen, G. J. (1994). *Understanding metaphor in literature: An empirical approach*. London: Longman.
- Stefanowitsch, A. (2006). Corpus-based approaches to metaphor and metonymy. In *Corpus-Based Approaches to Metaphor and Metonymy*. Ed. By Anatol Stefanowitsch and Stefan Th. Gries. Berlin/New York: Mounnton de Gruyter.
- Tognini-Bonelli, E. (2001). *Corpus linguistics at work*. John Benjamins Publishing Company, Amsterdam and Philadelphia.
- Yan, Ding; Noël, Dirk; Wolf, Hans-Georg. (2010). Patterns in metaphor translation: a corpus-based case study of the translation of FEAR metaphors between English and Chinese. In Xiao, Richard, ed., *Using Corpora in Contrastive and Translation Studies*, 40-61. Newcastle upon Tyne: Cambridge Scholars Publishing.

فهرست کتاب‌های مورد استفاده در پیکره

- ابراهیمی، نادر. (۱۳۴۵). *بار دیگر شهری که دوست می‌داشتیم*، اراک: طرفه.
- اسلامی ندوشن، محمد علی. (۱۳۶۹). *سخن‌ها را بشنویم*، تهران: انتشار.
- آل احمد، جلال. (۱۳۳۷). *مدیر مدرسه*، تهران: امیرکبیر.
- بهنود، مسعود. (۱۳۷۴). *این سه زن*، تهران: نشر علم.
- جمالزاده، محمد علی. (۱۳۴۰). *خاک و آدم*، تهران: کانون معرفت.
- حجازی، محمد. (۱۳۱۹). *اندیشه*، تهران: امیرکبیر.
- گلشیری، هوشنگ. (۱۳۴۸). *شازده / احتجاج*، تهران: کتاب زمان.
- دانشور، سیمین. (۱۳۴۸). *سوشون*، تهران: خوارزمی.
- نفیسی، سعید. (۱۳۳۲). *نیمه راه بهشت*، تهران: امیرکبیر.
- هدایت، صادق. (۱۳۱۵). *یوف کور*، تهران: جاویدان.

Archive of SID